

نقش مایه ارچین و تجلی آن در هنر و معماری ایرانی

*
مهندس محمد مشایخی

*
دکتر محمدجواد مهدوی نژاد

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۹/۸
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۱۲/۱۶

چکیده: همواره پیوند عمیقی میان هنرهای تجسمی و معماری وجود داشته است. در گذشته بسیاری از این آثار الگویی یکپارچه و یا نقش مایه‌های واحد در خود دارند که مظاهری چندگانه در هنر و معماری از خود بروز داده است. یکی از این الگوها، نقش مایه «ارچین» است. نقش مایه ارچین الگویی مثلثی یا مخروطی دارد که به صورت پلکانی از قاعده بالا می‌رود. این مقاله با تأکید بر الگوهای بیشتر شناخته شده، در صدد یافتن ریشه‌های هویتی و معنایی نقش مایه ارچین و مبنای زیر ساخت‌های آن در هنرهای تجسمی و معماری خوزستان و میانرودان است. این مقاله با استفاده از روش تحقیق تفسیری تاریخی به بررسی مصادیق نقش مایه ارچین و تحول آن در هنر و معماری پرداخته و به بررسی مبنای تاریخی این الگو می‌پردازد. با بررسی صورت گرفته می‌توان نتیجه گرفت، گنبد‌ها و سایر مصادیق نقش مایه ارچین برگرفته از سنت‌های معماری منطقه خوزستان و میانرودان هستند و پیوستگی خوبی با آنها برقرار کرده‌اند و اگر هم فقط به دلایل فنی و هویتی شکل گرفته باشند باز هم ساختاری ریشه‌دار در فرهنگ کهن این منطقه دارند.

واژگان کلیدی: نقوش سنتی، ارچین، معماری سنتی، گنبد‌های مقرنس، هنر میانرودان

◆ مقدمه

شمال آفریقا گسترده شده است. این گنبد‌ها حتی پیش از آنکه وسیله برای پوشش دهانه‌های سقف باشند، نمادهایی هستند که شکل آنها حاوی معانی فرهنگی و اجتماعی در زندگی مردم این مناطق است. همچون مناره‌ها و میل‌های آرامگاهی که در بسیاری از شهرهای اسلامی نقش هویت بخشی به منظر عمومی شهر را دارند؛ گنبد‌های ارچین نیز مانند مجسمه‌هایی بزرگ، نشانه‌ای از نقوش آیینی و اشکال هویتی را در شهرهای جلگه‌ای خوزستان و میانرودان به عهده دارند. به طوری که این گنبد‌ها را در عین اینکه باید یک اثر معمارانه دانست باید یک شمایل مجسم فرهنگی و یک نقش مایه هویتی دانست.

با مطالعه بر روی این گنبد‌ها مشخص می‌شود که از ابتدا این گنبد‌ها با ایده‌های هنرمندان صنعت‌گر سنتی در این مناطق شکل گرفته و رابطه‌ای که در بسیاری از کالبد‌های معماری سنتی با نقوش و نگاره‌های انتزاعی وجود دارد در این گنبد‌ها به نحوی گسترده و عمیقی متجلی شده و عنصری چند معنایی و چند کاربردی پدید آورده است.

هنرهای تجسمی و معماری در ازای تاریخ پیوندی ناگسستنی با یکدیگر داشته‌اند. در معماری و هنرهای سنتی همه ملل و خصوصاً ایران، هنروران همگام با معماران دست به آفرینش آثاری می‌زدند که همزمان نمونه‌ای از دستاوردهای تمدنی در حوزه معماری و هنری بوده است. و بسیاری از این آثار الگویی یکپارچه و یا نقش مایه‌های واحد در خود دارند که مظاهری چند گانه از یک هویت مشترک است. و یکی از این الگوها، نقش مایه «ارچین» است.

نقش مایه ارچین گستره‌ای از مصادیق را در بر می‌گیرد که عموماً در حوزه هنرهای تجسمی و معماری قرار دارند. یکی از مشهورترین این مصادیق گنبد‌های ارچین هستند که بر روی آرامگاه بزرگان در سراسر منطقه جنوب غربی ایران و میانرودان ساخته شده است. الگوهای متنوع دیگری نیز از این نقش مایه در نقاشی‌ها، نقشه‌ها، و حتی پوشاک منطقه وجود دارد که همه در یک قالب یک الگوی مشترک شکل گرفته‌اند.

گنبد‌های ارچین گونه‌ای از گنبد‌های معماری اسلامی است که نمونه‌های آن از جنوب غربی ایران تا کشورهای

* نویسنده مسئول: کارشناس ارشد معماری، دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران bas.mashayekhi1384@gmail.com
* استادیار دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران Mahdavinnejad@modares.ac.ir



نقش ارچین، نمای معناداری از کالبد گنبد‌های ارچین است که به نحوی نمادین در نگاره‌ها و آثار دوران سلجوقی و ایلخانی بازنمایی شده است. مطالعه بر روی این عناصر گویای این مطلب است که مرز مشخصی میان نقش مایه آنها در هنرهای تجسمی و بنای معماری گنبد‌های ارچین وجود ندارد. به بیان دیگر نقش مایه ارچین یک موضوع میان رشته‌ای است که پرداختن به آنها علاوه بر اینکه به هر دو رشته معماری و هنرهای تجسمی کمک می‌کند، می‌تواند پیوند عمیقی که در گذشته بین این هنرها وجود داشت را برای ما روشن‌تر و معنادارتر کند. رابطه‌ای که اسلیمی‌ها، نقوش اسلامی و از همه مهم‌تر فرهنگ ما را با معماری و کالبد‌های شهری پیوند می‌زند.

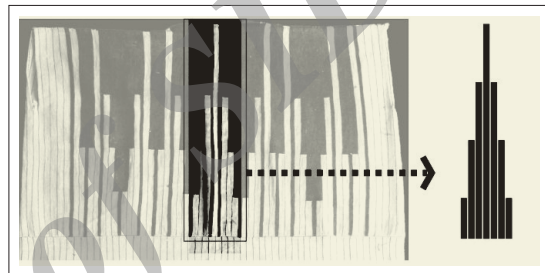
گنبد‌های ارچین بین قرون ۹ تا ۱۲ هجری خورشیدی و در منطقه‌ای به وسعت سرزمین‌های تحت حکومت سلجوقیان از سیستان تا دمشق گسترده شده‌اند. ولی عموماً در مناطق گرم جنوبی باقی مانده‌اند و به مناطق کوهستانی در شمال فلات ایران و آناتولی راه نیافته‌اند. همچنین این گنبد‌ها در گذر از شرق به غرب این منطقه تغییراتی یافته و با فرم‌های دیگر ترکیب شده‌اند.

امروزه حدود ۲۰ تا ۳۰ گنبد ارچین شناخته شده وجود دارند در حالی که طبق اسناد موجود در گذشته تعداد آنها بسیار فراوانتر بوده. در سفرنامه‌های متعددی صحبت از گنبد‌های مخروطی مضرس در منطقه ایران و میانرودان شده است همچنین مینیاتورها و نقشه‌های مینیاتوری نیز گنبد‌های ارچین را به عنوان نمونه شاخصی از معماری در گذشته در شهرهایی معرفی کرده‌اند که امروزه اثری از این نوع گنبد در آن شهرها وجود ندارد. به طور نمونه در کتاب معروف «بیان منازل سفر عراقین» اثر «مترکچی» گنبد‌های ارچین به صورت شاخصی برای معرفی شهرها عنوان شده‌اند (مترکچی، ۱۵۳۷) و نزدیک به ۱۰۰ گنبد ارچین در این شهرها تصویرگری شده، که امروزه عمده آنها از بین رفته‌اند. و کمتر از ۱۰ نمونه در عراق باقی مانده است. مثلاً در بغداد ۱۱ گنبد ارچین ترسیم شده که امروزه دو یا سه‌تای آنها باقی مانده است.

نقش هویت بخشی گنبد‌های ارچین به سیمای شهرهای اسلامی آنچنان قوی و ملموس بوده که جهانگردانی که با فرهنگ بومی نیز چندان آشنا نبودند متوجه اهمیت آنها در شهر شده‌اند و به طور خاص از آنها نامبرده‌اند از جمله سفرنامه آدام اولتاریوس (Olearius, 1967)، سر ویلیام ازلی (Ouseley, 1819) که هر دو به گنبد‌های ارچین در ایران اشاره کرده‌اند. در بسیاری از آثار مینیاتور و نگارگری قرون ۱۰ و ۱۱ هجری این بناها به عنوان نمادهایی برای شهرها ترسیم



تصویر ۱: مترکچی/نمایی از حرم امام حسین (ع) در کربلا، منبع: بیان منازل سفر عراقین (۱۵۳۷)



تصویر ۲: بخشی از یک بالا پوش مردان در ایل بختیاری و استخراج نقش مایه ارچین از آن، منبع: نگارنده.

این پژوهش با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مطالعه میدانی تهیه شده است. هدف از آن شناخت رابطه نقش مایه و بنای معماری گنبد‌های ارچین با کالبدفرهنگی است که به آن ارچین می‌گوییم. بر این اساس سؤال اصلی پژوهش این است که، معنای نقش یا گنبد‌های ارچین چیست؟ و چه رابطه‌ای میان نقش مایه و کالبد معماری در گنبد‌های ارچین وجود دارد؟



تصویر ۳: مقایسه و تحلیل نمایش نقش ارچین با تصاویر گنبد‌های موجود، راست: بخشی از نگاره بقعه ابا عبد الله الحسین (ع) در کربلا، وسط تحلیل فرم، چپ: گنبد ارچین بقعه میر محمد در خارک منبع: تصویر سمت راست از مترکچی، وسط و چپ از نگارنده.

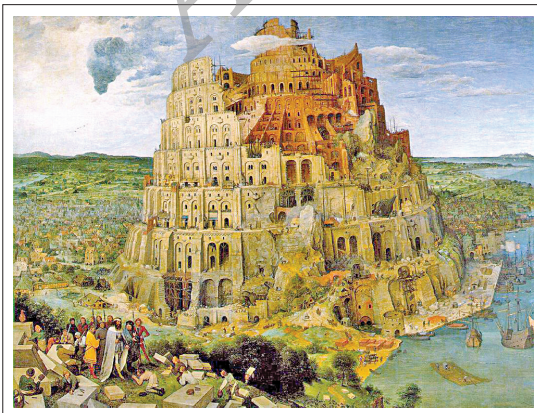
آندراج به نقل از دهخدا). در انگلیسی نیز کلمه «Urchin» به معنی طوطیا یا خارپشت دریایی است. که از کلمه لاتین «Ericius» گرفته شده است (Britannica). این کلمه نیز به نوبه خود از کلمه‌ای عبری گرفته شده است (دیکشنری Forlex به نقل از Webster). تنها سندی که برای آن ذکر شده عهد عتیق (تورات) است. و آن آیه عبارتی است در کتاب اشعای نبی^(ع) که در آیه‌ای از نسخه قدیم لاتین تورات به نام «The Vulgate» آینده شهر بابل که بنی اسرائیل در آن به بردگی گرفته شده بودند، چنین پیشگویی می‌شود: I will make it [Babylon] a possession for the ericius and pools of waters. (The Vulgate bible, 1985)

« من آن [بابل] را Ericius و استخری از آب خواهم ساخت.» (تورات، بخش ۱۴ آیه ۲۳) (نسخه دوای)

که نشان می‌دهد این کلمه در عطف با استخری از آب همراه آمده و نشان می‌دهد که منظور از آن باید کالبد یا مکانی باشد. همچنین در لغت نامه «آکادمیک روسی به لاتین» نیز در ترجمه لغت لاتین «Ericius» علاوه بر جوجه تیغی و خارپشت آن را پله و حصار نیز ترجمه کرده است!

بنابراین بر اساس جمع بندی یافته‌ها می‌توان نتایج زیر را گرفت:

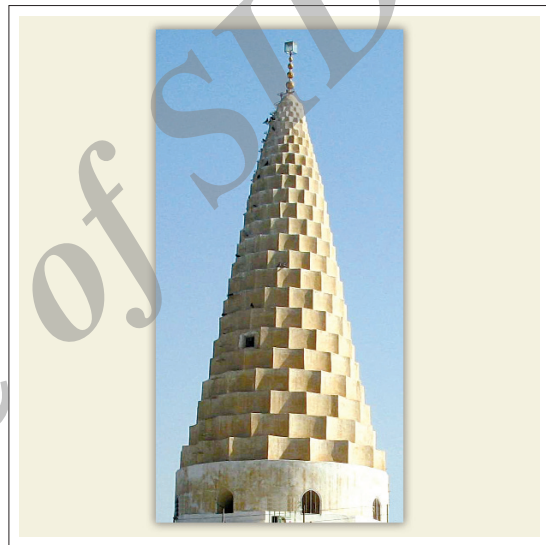
- ۱- لغت ارچین یک کلمه باستانی با ریشه عبری است به معنی پله، پلکان یا شیئی مضرس.
- ۲- بنابر شواهد ذکر شده می‌توان کلمه فارسی ارچین را با کلمه انگلیسی Urchin دارای ریشه مشترکی عبری دانست که در لاتین همان واژه «Ericius» است.
- ۳- ریشه کلمه ارچین یا همان واژه «Ericius» در زمان تمدن بابل باستان توسط یهودیان استفاده می‌شده است. و ظاهراً به معنی پلکان یا شیئی مضرس بوده است.



تصویر ۵: پیتر بروگر / برج بابل (۱۵۶۲) منبع: موزه Kunsthistorisches، وین، اتریش

شده‌اند. مانند مینیاتور معروف سیل در بغداد یا نگاره‌های نقشه. مانند آثار «مترکچی» که در نگاره‌های کتاب خود بخش زیادی از شکل شهرها را با حضور گنبد‌های ارچین در سیمای عمومی شهر ترسیم کرده است.

اما نکته‌ای در این میان حائز اهمیت است این است که گنبد‌های ارچین در مینیاتورها چرا به صورت مخروط‌های متشکل از شش ضلعی‌ها ترسیم شده‌اند؟ در حالی که هیچ گنبد ارچین شناخته شده‌ای با ساختار ۶ ضلعی وجود ندارد؟ پاسخ در این نکته نهفته است که ترسیم این نگاره‌ها بر اساس دید عمومی که در شهر داشتند ترسیم می‌شدند و نه ساختار حقیقی آنها. این نوع نمایش در تصویر ۳ با تصویری که امروزه می‌توان از گنبد‌های ارچین مشاهده کرد مقایسه و تحلیل شده است.



تصویر ۴: نمای گنبد دانیال نبی(ع)، شوش منبع: نگارنده

◆ فرهنگ واژه ارچین

دربارۀ ریشه کلمه ارچین اختلاف نظری در منابع وجود دارد. محمدکریم پیرنیا در کتاب «آشنایی با معماری اسلامی ایران» می‌نویسد: «ار» پیشوندی است به معنای بالا رفتن و نظایر آنها در واژه‌های اردک (مرغ بالا جهنده)، النگ (حرکت توام با اسب)، ارچین (پله)، اُرسی (پنجره بالا رونده) و بسیاری از واژه‌های دیگر به کار می‌رود (پیرنیا، ۱۳۸۷، ۵۷۴) ولی ریشه شناسی این کلمات این نظر را تأیید نمی‌کند. مثلاً اُرسی در فرهنگ دهخدا و معین صفت نسبی روسی معرفی شده و نه ترکیب دو واژه «اُرسی» و یا پیشوند «ار» در کلماتی مانند «النگ» و «اردک» به معنی پیشوند بالا رونده معرفی نشده است. (دهخدا، ۱۳۶۳)

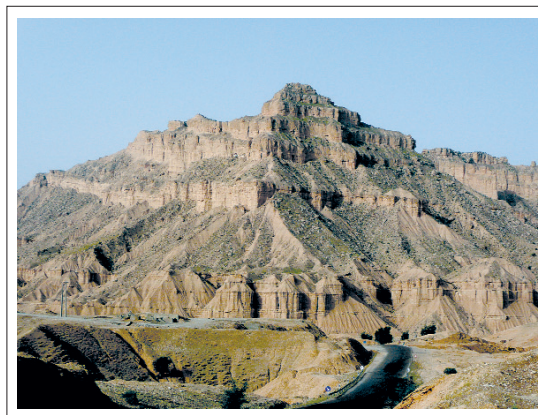
گمان دیگر این است که ریشه کلمه ارچین یک کلمه با ریشه عبری است، به معنی «پله» یا «مضرس» (لغت نامه

◆ فرهنگ شکلی ارچین

نقش‌مایه ارچین در صورت‌های متنوع هنری به شکل‌های مختلف تصویر می‌شود، اما یکی از مهمترین و کامل‌ترین این تصویرها در گنبدهای ارچین تحقق یافته است. گنبدهای ارچین مخروط‌هایی پله پله هستند که به تدریج کوچک شده و به یک نقطه می‌رسند. اگر هر طبقه را به طور خاص مورد بررسی قرار دهیم در می‌یابیم هر طبقه تقریباً به شکل حلقه‌هایی است که قاعده آن یک چند ضلعی منظم است. در گنبدهای ارچین این چند ضلعی‌ها معمولاً ۱۲، ۱۶ یا ۲۰ ضلعی است. هر حلقه مشابه طبقه بالایی است با این تفاوت که همه قسمت‌های آن با یک نسبت کوچک شده است.

گنبد معمولاً با یک حلقه استوانه‌ای آغاز شده و اولین حلقه چند ضلعی روی این استوانه قرار می‌گیرد، سپس حلقه‌های بعدی با کمی چرخش روی حلقه بعدی قرار گرفته و به این صورت گنبد بالا می‌رود. به طوری که به مرحله‌ای می‌رسد که دهانه حلقه بسیار کوچک بوده و معمولاً با طاق کوچکی قسمت انتهایی مسدود می‌شود. قانون قرارگیری طبقات بر روی هم اینگونه است که رئوس اضلاع هر حلقه روی نقطه وسط رئوس حلقه ردیف قبل قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر هر حلقه به نسبتی کوچک شده که بیرون آن بر داخل حلقه قبل منطبق شود. اما این ساده‌ترین نوع گنبدهای ارچین است. بسیاری از گنبدهای ارچین در روندی تکاملی به سوی اشکال و نقوش پیچیدتر حرکت کرده‌اند.

نقش‌مایه ارچین در الگوهای هنری دیگر به صورت مثلثی پلکانی و قائم‌الزاویه که روی قاعده نشسته است و یا حجمی مطبق و مخروطی به صورت‌های گوناگون تصویر شده است. هر یک از این اشکال وجهی از یک سنت دیرینه را نشان می‌دهد که تعبیری از تعامل میان معماری، هنر و فرهنگ تاریخی مردم، در این سرزمین‌های باستانی است.



تصویر ۶: کوه دژ سلیمان، جنوب خوزستان، منبع: www.panoramio.com

◆ ریشه‌های فرهنگی-تاریخی نقش ارچین

یکی از معروف‌ترین گنبدهای ارچین گنبدی است در شهر شوش موسوم به بقعه دانیال نبی (ع) (رسولی، ۱۳۸۴). دانیال یکی از پیامبران بنی اسرائیل است که در میانرودان زندگی می‌کرده است، و سابقه آن به شهر و برج بابل می‌رسد. برج بابل توسط نقاشان زیادی در طول تاریخ تصویر شده است که در بیشتر این تصویرسازی‌ها نکات مشترکی از عقیده عمومی درباره شکل برج بابل وجود دارد و آن برجی مخروطی است که به صورت مطبق بوده و هر طبقه از طبقه زیرین کوچکتر است. یکی از نقاشی‌های معروف در این زمینه نقاشی پیتر بروگر^۲ (Bruegel, 1563) است که در سال ۱۵۶۳ م. آن را ترسیم کرده است. (تصویر ۵) بجز او افراد دیگری نیز همین فرم را برای برج بابل تصور کرده‌اند.^۳

از طرف دیگر این فرم یک فرم آشنا و معمول در معماری کهن این منطقه است. اگر فرض کنیم چنین برجی وجود نداشته باشد یا به شکل نبوده است و این تصور عمومی هم صحت نداشته باشد زیگورات‌ها به عنوان یک فرم مشابه یک سنت آشنا در میانرودان هستند، زیگورات چغازنبیل در ۳۵ کیلومتری شوش قرار دارد. و اگر چه پایه آن مربع شکل است شباهت‌هایی با فرم گنبدهای ارچین دارد. مثلاً هر دو مطبقند و هر طبقه از طبقه پیشین کوچکتر است.

سؤالی که اکنون مطرح است این است که بین ساخته شدن برج بابل یا زیگورات‌های میانرودان تا ساخته شدن اولین گنبدهای ارچین وقفه‌ای نزدیک به ۱۰۰۰ سال وجود دارد، و این سوال مطرح می‌شود که چطور این گسست زمانی توجیح می‌شود. پاسخ این است که اگر چه فرم‌های باستانی در منطقه به عنوان یک سرچشمه الهام وجود داشته است ولی در کنار آن بناهای جسته و گریخته‌ای نیز وجود دارند که این پیوستگی را ایجاد کنند مانند مناره‌های ساسانی و یا مناره مسجد سامرا در عراق که فرمی مخروطی دارد و مارپیچی که همان پلکانش است از پایین تا بالای بنا ادامه دارد.

نگاه دیگر این است که با یکپارچگی حکومت از ماوراءالنهر تا آسیای صغیر و شکوفایی معماری در دوره سلجوقی، سنتی برای معماری اسلامی پدید آمد که شامل گستره‌ای از ستون‌های شاخص و به عنوان روشی برای هویت بخشی به مکان و مقابر بود. (پیرنیا، ۱۳۸۲، ۱۶۲) میل‌های آرامگاهی با گنبدهای مشابهی همچون گنبد رک حتی در بیابان‌ها برای یافتن راه‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفتند.^۴ گنبدهای ارچین نیز با کارکردی مشابه در بخش‌های جنوبی امپراتوری نقش مشابهی را به عهده داشتند؛

هندسه گنبد‌های ارچین نیست.

گذشته از مواردی که معرفی شد اگر با نگاهی مستقل از پیشینه فرهنگی منطقه نیز بخواهیم این فرم را تبیین کنیم، باید توجه کنیم که در منطقه خوزستان و میانرودان کوه‌های بلندی وجود ندارد که خط آسمان را به طور محسوسی تحت تأثیر قرار دهد و بنابر نیاز به شاخص کردن یک بنا با بلند ساختن آن براحتی محقق می‌شود. از طرف دیگر هر معماری که با ضعف شدید مقاومت مصالح بومی روبروست تلاش می‌کند برای پدید آوردن بناهای بلند از فرم‌های پایدار استفاده کند. در نتیجه طبیعی خواهد بود که هر ساختمان بلندی از جمله برج بابل، زیگورات‌ها، مناره سامرا و بالاخره گنبد‌های ارچین باید به صورت منشوری یا مخروطی ساخته شوند تا بتوانند به تناسب کشیده و بلندی مناسب دست یابند.

در مجموع گنبد‌های ارچین اگر برگرفته از سنت‌های معماری منطقه خوزستان و میانرودان باشند پیوستگی خوبی با آنها برقرار کرده‌اند و به نوعی فن‌آوری ساخت بناهای بلند را با استفاده از مصالح سنتی تجدید کرده‌اند و اگر هم فقط به دلایل فنی و هویتی شکل گرفته باشند باز هم ساختاری ریشه‌دار در فرهنگ کهن این منطقه دارند.

مبانی فلسفی نقش‌مایه ارچین

نقش‌مایه ارچین اگر چه در بسیاری از ادوار تاریخی حضور داشته‌اند اما اوج حضور آنها در قرن ششم و هفتم هجری است. و چنانکه در بخش بعد طرح خواهد شد، فن‌آوری‌های روز در آن دوران در تکامل این نقوش خصوصاً در گنبد‌های ارچین نقش بسزایی داشتند.

گنبد‌های ارچین در راه تکامل خود به اشکال مقرنس نزدیک شده و نوعی از گنبد‌های ارچین به نام گنبد‌های مقرنس را ایجاد کردند. گرابار درباره این گنبد‌ها می‌گوید:

«آبنسراج‌ها (Abencerrajes) و هال دوخواهر (Hall of Two sister) نمایانگر گنبد چرخشی آسمان‌اند» (Grabar, 1994). این تفصیل خاص و موجه انسان را تحریک می‌کند که به عقب برگردد و از دلیل مشابه و حتی بهتر برای تفصیل گنبد‌های مقرنسی قدیمی تر استفاده کند (ایتینگهاوزن و گرابار، ۱۳۷۸).

دیدگاه یاسر تابا از دیگر محققینی که به پژوهش درباره گنبد‌های مقرنس پرداخته است، با نظر گرابار متفاوت است. وی معتقد است برای پذیرش این نظر گرابار دو مشکل وجود دارد، نخست اینکه پی‌بردن به دلایل بیرونی این عقیده که همان نظر معماران است تقریباً برای ما غیر قابل دسترس است، دوم اینکه چون هر گنبدی می‌تواند

گنبد‌های رک که در میل مقبره‌ها استفاده می‌شد به تنهایی ارتفاع چندانی نداشتند و معماران آنها را روی میل‌های استوانه‌ای می‌ساختند تا از دور دیده شود (گدار و سیرو، ۱۳۷۱). از آنجایی که به دلایل اقلیمی و تکنیکی در جنوب ایران و میانرودان استفاده از خشت خام امری معمول بوده، ساختن میل‌های بلند (استوانه‌های آجری برای پایه گنبد) برای معماران مقدور نبوده ولی در عوض گنبد‌های ارچین می‌توانستند تناسب خیلی بلندتری نسبت به گنبد‌های رک داشته باشند و ۵ تا ۷ برابر دهانه گنبد ارتفاع بگیرند.

مراجع دیگری را نیز برای گنبد‌های ارچین می‌توان فرض کرد که ارتباط آنها خیلی بعید به نظر می‌رسد، این مراجع شامل طرح کنگره‌ها و آتشدان‌های هخامنشی- که در نقش برجسته‌های فارس موجود است و نمونه‌هایی از آنها در نقوش سلوکی و ساسانی نیز وجود دارد- و یا طرح کاخ‌های مادها که مطبق و هرمی است و حتی معماری گنبد‌های یخچال‌های مرکزی ایران که مخروط‌هایی مطبق است اما ارتباط هندسی در آنها بین طبقات وجود ندارد. (پیرنیا، ۱۳۷۰) و در آخر معابد بودایی شبه‌قاره هند نیز به عنوان محل الهام گنبد‌های ارچین معرفی شده است. که بنا بر اعتقادات اسلامی و پرهیز همیشگی شباهت معماری اسلامی با معماری غیر مسلمانان مخصوصاً غیر موحدین این احتمال نیز بسیار بعید به نظر می‌رسد.

اما در کنار این دلایل می‌توان این نگاه را هم در نظر گرفت که فرم مخروط مطبق یک فرم پایدار برای ایجاد سازه‌های بلند در منطقه ایست که خاک سستی دارد به صورتی که حتی کوه‌های رسوبی نیز در این منطقه به شکل‌های مخروطی در آمده‌اند. مثلاً کوهی در جنوب شرقی خوزستان که در بین مردم محلی به دژ سلیمان مشهور است. (تصویر ۶) این کوه شباهت عجیبی به زیگورات‌های میانرودان دارد و گویا به تعبیری مصداقی از نقش‌مایه ارچین است که فقط هنر دست طبیعت و نتیجه فرسایش لایه‌های رسوبی در ارتفاعات ایجاد شده است.

چراغدان‌های کوچکی نیز وجود دارند که در منطقه خوزستان با استفاده از چوب ساخته می‌شوند. ریشه این فرم مانند بسیاری از فرم‌های صنایع دستی محلی به گذشته‌های بسیار دور باز می‌گردد و در حال‌های از ابهام است. اما امروزه نیز در موارد گوناگون مورد استفاده قرار می‌گیرند، این چراغدان‌ها به این صورت ساخته می‌شوند که ابتدا با چوب یک چند ضلعی درست می‌کنند، سپس ردیف بعدی چوب‌ها را به نحوی قرار می‌دهند که راس چوب‌ها روی وسط اضلاع چند ضلعی قبلی قرار بگیرد. و به این صورت شکلی مخروطی بدست می‌آید که بی‌شباهت به



تصویر ۷: مقرنس گنبد هال دو خواهر، الحمرا، گرنادا، اسپانیا منبع: www.panoramio.com



تصویر ۸: سه کتج‌ها از گوشه طبقات بیرون زده‌اند و در نما ظاهر شده‌اند. بقعه امامزاده عبدالله، شوشتر خوزستان منبع: نگارنده

اما معماران برای رفع این مشکل می باید اختلاف شعاع طبقات را با هم افزایش می دادند تا کاهش شعاع طبقات با سرعت بیشتری صورت گیرد. یکی از این راه ها نزدیک کردن وسط اضلاع چند ضلعی به مرکز دایره گنبد با مقعر کردن آنها است. تا بدین وسیله شعاع حلقه بعد را که رؤس روی این نقاط قرار می‌گیرد کوچک کند. با این روش مجموعه ای از کمان‌های مقعر در کنار هم گنبد را تشکیل خواهد داد. مانند گنبد دانیال نبی^(ع) یا امامزاده حمزه در ماهشهر.

مشابه این روش با استفاده از کمان‌های محدب نیز انجام می‌گیرد که نتیجه آن باز هم کاهش ارتفاع گنبد است. اما راه دیگر این است که کاملاً اضلاع این چند ضلعی شکسته شود و طبقات گنبد به صورت ستاره‌ای شکل بگیرند که در این صورت نیز می‌توان تناسبات گنبد را منطقی‌تر کرد. مانند گنبد امامزاده میر محمد در خارک و امامزاده ابراهیم جایزان در خوزستان.

نماد گنبد آسمان شود، این روش به ما نمی‌گوید که چرا یک گنبد مقرنس برای این منظور به‌کار برده شده است. او خود نظر دیگری را مطرح می کند و معتقد است:

تقسیم‌بندی ماده به قسمت های کوچک مربوط به معنای یک عقیده منسجم در مورد ماده بود یا به طور تخصصی تر تقسیم یک گنبد به قسمت‌هایی کوچک‌تر (حجره‌هایش) به معنای یک ایده معتبر نه فقط در مورد گنبد بلکه در مورد جهان یعنی مرجع اش بود. (Tabbaa, 1985: 64)

او عقیده اشعریون (Asharites) را در سده های ۱۰ و ۱۱ میلادی را با عقیده اکزیونالیزم (Occasionalism) حاکم بر اندیشه زمان می‌داند که بر اساس آن خدا به عنوان حاکم مطلق ریاست می‌کند. بنابراین ماده نه جاودان و نه غیر قابل تغییر بود و نه در ترکیب نامحدود بود بلکه از ذاتی ساخته شده بود که دیگر قابل تقسیم نبوده‌اند. این تئوری، تئوری اتمها و حوادث است. یکی از اشعریون به نام البکیلانی (Al-Baqillani) می‌گوید: دنیا از حوادث و اتم‌ها ساخته شده است و حوادث نمی‌تواند در درون ماده بیش از یک لحظه دوام بیاورد. بلکه به طور مداوم توسط خدا دوام می‌یابند. این تئوری این گونه ادامه می‌یابد که ویژگی‌های ماده (رنگ و شکل و غیره) حادث بی دوامی هستند که بر طبق اراده خدا تغییر می‌کند. و حتی حفظ ماده دخالت بی‌پایان خدا را می‌طلبند (Tabbaa, 1985). و بر این مبنا نقش‌مایه ارچین تجسمی از اندیشه آنها دانسته شده است.

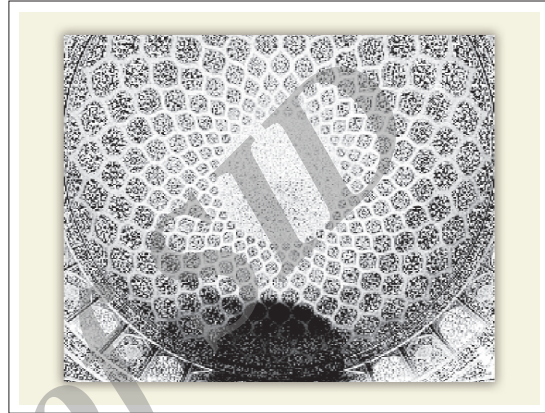
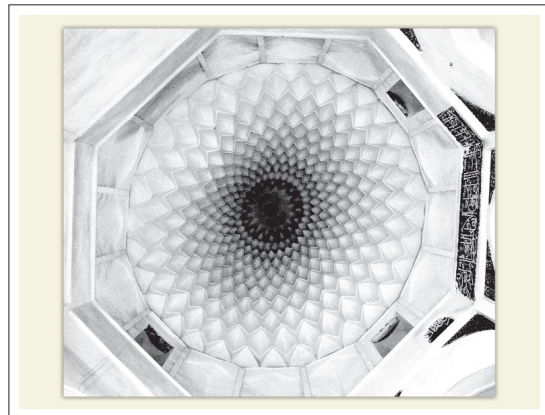
◆ سیر تحول نقش ارچین

نقش ارچین نیز مانند بسیاری از نقوش دیگر پس از پدید آمدن شروع به تحول کرده و در جهت توسعه گام بر می‌دارد. نقش ارچین در مقابری مانند شاهزاده ابراهیم هویزه یا امامزاده سید صلاح الدین آبدنان ایلام بسیار ساده و نمونه آجری همان چراغدان‌های چوبی است. به نحوی که هر طبقه دقیقاً یک چند ضلعی است که اضلاع هر طبقه روی وسط اضلاع طبقه قبل ساخته می شود. و به این نحو گنبد بالا می‌آید نمای این گنبد ها به شکل مخروط نزدیک است اما به این دلیل که با این روش گنبد مخروطی بسیار بلندی به دست می‌آید در بسیاری موارد ارتفاع طبقات آخر را کم در نظر می‌گیرند تا گنبد زودتر تمام شود و به این طریق از ارتفاع گنبد کم کنند. در این حالت گنبد بیشتر شکلی دوکی شکل به خود می‌گیرد. مانند گنبد سید صلاح الدین آبدنان (خوزستان).

قرار گرفت. به این شکل گنبدها هم به حالت محدب و شکل کله‌قندی نزدیک‌تر شدند و هم از ضخامت آنها کاسته شد. و به نوعی نقش ایجاد شده در زمینه گنبد بر طرح اولیه ارچین قالب شد مانند گنبد بقعه امامزاده عبدالله در شوشتر که درست مانند گنبدهای میر محمد خارک یا امامزاده ابراهیم جایزان خوزستان از طبقاتی به شکل منشورهای ستاره‌ای تشکیل شده اما در نقاطی که سه کنج‌ها در داخل گنبد قرار گرفته‌اند، اندازه آنها به حدی بزرگ شده که از نمای بیرونی بخشی از آنها دیده می‌شوند. (تصویر ۸)

در این مرحله گنبدهای ارچین به صورت دستاوردی معمارانه به پایتخت که در زمان سلجوقیان در بغداد قرار داشت انتقال یافت و در آنجا به صورتی تکامل یافته‌تر بر روی بقعه‌ها و گنبد مزارها ساخته شد. گنبد زمرد خاتون و بقعه شیخ عمر السهروردی از نمونه‌های باقی مانده این گونه گنبد هاست. در حالی که نقش زمینه این گنبدها نیز با تغییرات کوچکی همراه شد. از جمله اضافه شدن طاق بندهایی میان چند سه‌کنج، برای افزایش تنوع و زیبایی مجموعه سه کنج‌های زیر گنبد و بعلاوه امکان بالا بردن دقت ساخت در آنها. این گنبدها به دلیل نقش زمینه آنها که به مقرنس بسیار شبیه است به نام گنبدهای مقرنس معروف هستند. البته بر اساس آنچه گفته شد، گنبدهای مقرنس نوعی از گنبدهای ارچین هستند که تکامل فرمی آنها را به این شکل درآورده است.

گنبدهایی نیز با نقش زمینه تکوین یافته در دمشق، قاهره و فاس (مراکش) نیز ساخته شده‌اند اما به تدریج با افزایش جزئیات مقرنس زیر گنبد کارکرد عملکردی این بخش از میان رفته و نقش زمینه فقط تزئینی پیدا می‌کند. به این ترتیب نقش مقرنس در بسیار از بخش‌های ساختمان با ساختار گنبدهای مقرنس طرح شده است. بدون اینکه نقشی در ساختار اصلی بنا داشته باشد. (Tabbaa, 2002) مانند ایوان پیشگاه بیمارستان نورالدین در دمشق یا نقش زیر سقف ایوان دو خواهر در الحمرا اندلس. (تصویر ۷)

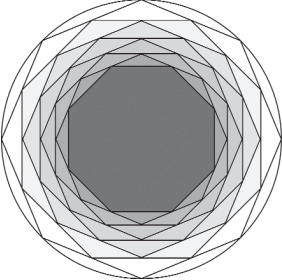

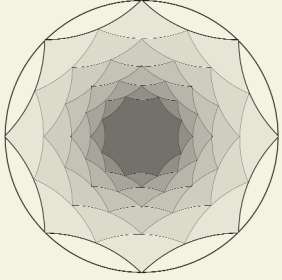

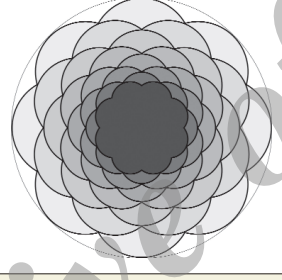

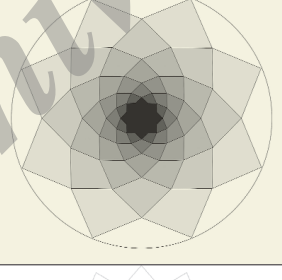

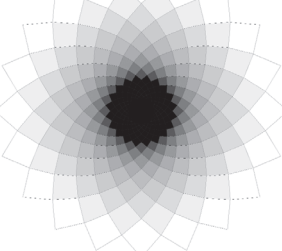



تصویر ۹: تصویر بالا: نقش زیر گنبد بقعه میر محمد، خارک، منبع: نگارنده و تصویر پایین: نقش زیر گنبد مسجد شیخ لطف الله، اصفهان.

در این حالت بخش‌های فرورفته شکل ستاره‌ای در داخل گنبد به صورت معلق قرار می‌گیرند که در نتیجه باید به صورت سه کنج‌هایی با لاریز کردن اجر این مشکل را حل کرد (پیرنیا، ۱۳۷۸) در نتیجه از کنار هم قرار گرفتن این سه کنج‌ها در داخل گنبد فرم‌های بدیعی پدیدار می‌شود که به نقش‌های کاشی‌کاری گنبدهای مساجد جامع شبیه است، مخصوصاً نقش زیر گنبد مسجد شیخ لطف‌الله اصفهان. (تصویر ۹)

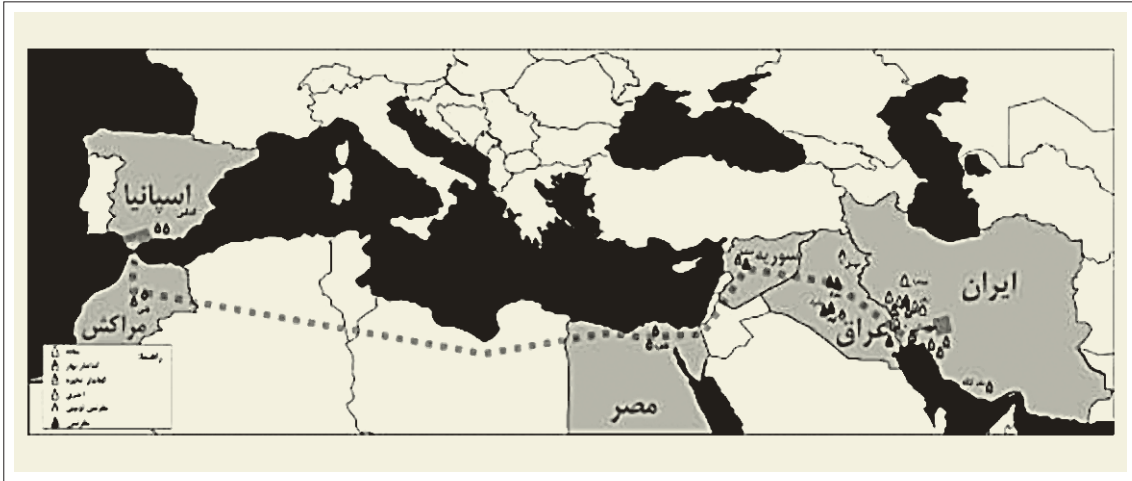
در مرحله بعد تحول نقش ارچین، سه کنج‌های گنبدهای ارچین کوچکی برای زیباتر شدن نقش زیر گنبد و همچنین نازک‌تر شدن پوسته بزرگ‌تر شدند تا به صورت طاق‌هایی محدب از بین گوشه‌ها بیرون زدند. و به این صورت نمای خارجی نیز تحت تأثیر سه کنج‌های داخل آن

جدول ۱: مقایسه گونه‌های نقش ارچین، ترسیم اشکال و تصاویر از نگارنده (نمونه‌های نما با علامت * مشخص شده‌اند)

انواع گنبد	شکل حلقه	واحد نقش	نقش زیر گنبد	نمونه نما	نمونه
ساده	چند ضلعی منتظم	اضلاع چندضلعی			بقعه سید صلاح الدین محمد (ایلام)، مقبره ذوالکفل نبی ^(ع) (عراق)، مقام خضر نبی (شوشتر)، امامزاده ابراهیم* (هویزه) امامزاده جعفر (بروجرد)، آرامگاه یعقوب لیث صفاری (دزفول)
کماندار مقعر	چندضلعی با کمان های مقعر	کمان های مقعر			بقعه دانیال نبی ^(ع) (شوش)، امامزاده حمزه* (ماهشهر)
کماندار محدب	چندضلعی با کمان های مقعر	کمان های محدب			گنبد امامزاده سلیمان بن علی* (گناوه)
اختری	ستاره منتظم الاضلاع	سه کنج			امامزاده میر محمد (خارک)، امامزاده ابراهیم جایزان (خوزستان)، زیارتگاه کوخرد - بندر لنگه (بوشهر)، امامزاده بابامتیر* (ممسنی)
مقرنس	مانند ستاره ای با طاقی های برآمده	اجزای متنوع مقرنس			امامزاده عبد... (شوشتر)، بیمارستان نورالدین (دمشق)، بقعه زمرد خاتون* (بغداد)، بقعه شیخ عمر سپهروردی (بغداد)

به صورت جدول در جدول شماره ۱ با معرفی نمونه ها و نقش زیر گنبد آورده شده است. نقشه شماره ۱ نیز مسیر این تحول را در گذر از کشورهای اسلامی نشان می‌دهد.

به این ترتیب طی فرآیندی چند مرحله ای ساختار گنبد های ارچین از چند ضلعی های ساده ای که روی هم چیده شده اند به نقش حیرت آور مقرنس پیچیده زیر سقف آبسرنج ها و یا هال دو خواهر رسیده است. این تحولات



نقشه ۱: مسیر تحول نقش ارچین، از خوزستان تا اندلس، ترسیم از نگارنده

◆ نتیجه‌گیری

نقش ارچین نیز مانند بسیاری از نقوشی که در هنر و معماری ما کاربرد دارد، ریشه‌های اسطوره‌ای دارد. و جایگاه آن جایی در میان اسطوره‌های کهن است که در صنایع دستی و سنت‌های محلی نیز به نوعی خود را نشان داده است. این جریان انتقال فرهنگی در قالب‌های گوناگونی همچون برج، معابد زیگوراتی، مناره مسجد و سرانجام گنبد‌های مقابر خود را از اعماق تاریخ به امروز رسانده است. و همچنان به صورت نمادی از سرزمین‌های جنوبی ایران باقی مانده است.

بنابراین نقش‌مایه ارچین برگرفته از سنت‌های معماری منطقه خوزستان و میانرودان هستند و پیوستگی خوبی با سایر سنت‌های بومی برقرار کرده‌اند و اگر در ابتدا این نقش از مسائل فنی و اقلیمی شکل گرفته باشند در گذر زمان ساختاری ریشه‌دار در فرهنگ کهن این منطقه پیدا کرده و تبدیل به عنصری هویتی شده‌اند. تجلی و تکوین نقش ارچین در ایران و سپس ادامه تحول آن در سایر کشورهای اسلامی یک فرآیند دنباله‌دار بوده و ریشه در فرهنگ بومی و اسلامی دارد. و آخر اینکه این تجربه نمونه‌ای از بی‌انتهای بودن ایده‌های هنری در ایران است.

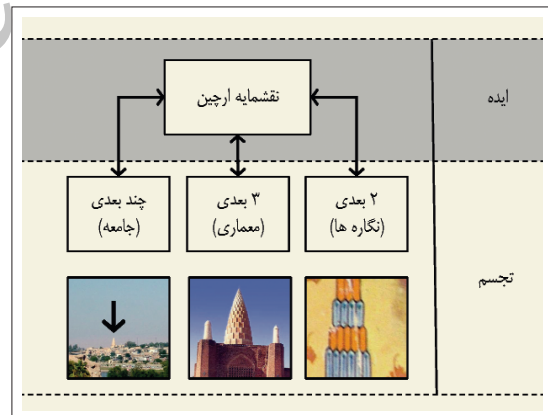
◆ پی‌نوشت‌ها

۱- اصل متن در لغت نامه روسی لاتین بدین شرح است:

Ericius: «ж Vг, Vлg2) воен. («ж», заграждение (брус с железными крючьями для задержания противника)

Ericius: جوجه تیغی، پله، (Vлg2) نظامی. 'خارپشت' حصار (چوب با آهن قلاب برای جلوگیری از نفوذ دشمن)

نقش ارچین یک نقش چند بعدی است، در مینیاتورها و خط آسمان شهری نقشی دو بعدی تلقی می‌شود و معنای هویتی آن مد نظر است و در نزدیکی گنبد یا زیر آن یک نقش سه بعدی است که نه تنها تجسمی از عقاید اسلامی است بلکه الهام بخش بسیاری از هنرمندان در سراسر سرزمین‌های اسلامی شده و گستره بزرگی از تزئینات زیر گنبد را در فرهنگ اسلامی ایجاد کرده است.



نمودار ۱: مقایسه ابعاد نقش ارچین در زمینه‌های مختلف فرهنگی، تصاویر به ترتیب از سمت راست: بخشی از نگاره بقعه ابا عبد... الحسین^۱ در کربلا، وسط بقعه امیر اسماعیل سامانی در نزدیکی درفول - خوزستان، چپ: گنبد ارچین امامزاده عبدالله در نمای کلی از شهر شوشتر، منبع: تصویر سمت راست از مترکچی، وسط و چپ از نگارنده.

از منظر دیگر نقش ارچین یک نقش چند جانبه است. از طرفی در شهر یک نقش نمادین و هویت بخش است و از طرف دیگر نقشی است که به موقعیت مقبره معنا می‌بخشد. و یا تحولات ساختاری آن در زیر گنبد به تدریج محملی می‌شود برای رشد مقرنس در زیر گنبد‌ها که از بغداد و دمشق تا شمال آفریقا و اسپانیا تحت تاثیر آن شکل می‌گیرند.

آثار ایران؛ ج ۳ بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ دوم، مشهد، ۱۳۷۱.
۱۰- مترکچی، ۱۵۳۷، مجموعه نقشه‌های مینیاتوری «بیان منازل سفر عراقین»؛ کتابخانه دانشگاه استانبول؛

- 11- Britannica Online Encyclopedia, available in: www.britannica.com
- 12- Bruegel, Pieter. **painting: Tower of Babel**, oil on panel, Kunsthistorisches Museum, Vienna, 1563.
- 13- Webster Online Encyclopedia, available in: www.merriam-webster.com.
- 14- B.Blair, S. **Sufi Saints and Shrine architecture in the early fourteenth century**, Muqarnas, 35-49, 1990.
- 15- Burns, R. **Damascus: a history**, New York: Routledge, 2005.
- 16- Grabar, R. E. **The Art and Architecture of Islam**, New Haven: Yale University Press, 1994.
- 17- Panoramio - **Photos of the World**, online photo of place collection, available in: www.panoramio.com
- 18- Petersen, **A Dictionary of Islamic architecture**, New York: Routledge, 1996..
- 19- Ouseley, Sir William **Travels in various countries of the East: more particularly Persia**, Rodwell and Martin press, UK: London, 1819.
- 20- Olearius, Adam. Baron, Samuel H. **The travels of Olearius in seventeenth-century Russia**, Stanford University Press, Stanford University, California, 1967.
- 21- Tabbaa, Y. **THE MUQARNAS DOME: ITS ORIGIN AND MEANING**, MUQARNAS, 61-74, 1985.
- 22- Tabbaa, Y. **The transformation of Islamic art during the Sunni revival**, New York: The University of Washington Press, 2002.
- 23- Tabbaa, Y. **Andelosiian Root and Abbasian Homage in the Qubbat Al-barudiyyian in marrakech**, Muqarnas, 133-146, 2008.
- 24- The Vulgate bible. douay-rheims ytranslation, available in: www.fourmilab.ch/etexts/www/Vulgate, 1985. Латинско-русский словарь, Russian-Latin dictionary, available in: linguaeterna.com/vocabula.

2- Pieter Bruegel the Elder, Gustave Doré (1865) Martin Heemskerck (16th century) Lucas van Valckenborch (16th century) Hendrick van Cleve (16th century) Anonymous Dutch painter (16th century)

۳- مانند میل‌های رادکان در خراسان یا گنبد کاووس در نزدیکی گرگان.

◆ فهرست منابع

- ۱- اتینگهاوزن، ریچارد و گرابار، الگ، هنر و معماری اسلامی، جلد اول؛ ترجمه: یعقوب آژند، چاپ هفتم، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۷۸.
- ۲- پیرنیا، محمد کریم، معماری ایرانی، تدوین غلامحسین معماریان، نشر سروش دانش، تهران، ۱۳۸۷.
- ۳- پیرنیا، محمد کریم، نیارش در سازه‌های طاقی ایران؛ تدوین از غلامحسین معماریان؛ سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۸.
- ۴- پیرنیا، محمد کریم، به کوشش زهره بزرگمهری و دیگران؛ مجله اثر؛ ش ۲۰؛ تهران؛ سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۰.
- ۵- پیرنیا، محمد کریم، سبک‌شناسی معماری ایرانی؛ تدوین از غلامحسین معماریان؛ انتشارات سروش دانش، چاپ هفتم، ۱۳۸۲.
- ۶- دهخدا، علی اکبر، لغتنامه فارسی، جلد ۱، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۶۳.
- ۷- رسولی، هوشنگ، تاریخچه و شیوه‌های معماری در ایران؛ تهران؛ انتشارات پشتون؛ چاپ دوم، ۱۳۸۴.
- ۸- لیندا گروت، دیوید وانگ، روشهای تحقیق در معماری، ترجمه: علیرضا عینی فر، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۸۶.
- ۹- گدار، آندره و سیرو، ماکسیم، ترجمه: ابوالحسن سروقد مقدم؛

